

گذشته از اهمیتی که زبان عربی خصوصاً داراست چون ارتباط عربی و فتوحات عرب و توسعه و انتشار زبان عربی در دنیای با فارسی مجاور ما بقدری زبان فارسی را مخلوط با زبان عربی نموده که هر که میخواهد فارسی بگوید و بنویسد ناگزیر از دانستن عربی است والا نمیتواند مقاصد خود را بر زبان آورد و یا بر صفحه کاغذ بنویسد. هر ایرانی ناچار باید اقلاً تا حدود مقدمات بزبان عربی آشنا باشد.

البته آشنائی بزبان عربی لازمه اش این نیست که در مذاکرات یا مکاتبات الفاظ روان و سلیس فارسی را بکلمات عربی تبدیل نمود ولی خواه نا خواه هر که میخواهد در رشته تحریر و ابیات قدم گذارد ناچار بایستی تا حد لزوم بزبان عربی آشنا باشد خاصه آنکه مسلمین بفهم آیات قرآن و اخبار و احادیث بواسطه احتیاجات مذهبی ناگزیر علاقه مند میباشند.

چون قدماء با دنیای خارج از سیطرهٔ هرب کمتر آمد و شد کیفیت تعلیم و تعلم داشتند و علوم و فنون هم منحصر بعلوم بود که بزبان عربی در سابق و حال عربی تألیف و تدوین شده بود کسب دانش اولین راهش آشنائی کامل با زبان عربی بود و بقدری رفته رفته در این راه مبالغه شد که بسیاری از طلاب تمام عمر خود را در مدارس قدیمه مصروف آموختن زبان عربی نموده و اکثر نزدیک با تفاقیشان نیز آنچه تألیف و تصنیف کرده اند منحصرأ بزبان عربی بوده است، با پیشرفت علوم و فنون و کثرت ارتباط ایرانیان با تمام دنیا این مبالغه دیگر پسندیده بنظر نمی آید و لایسی چنانکه گفته شد مادام که زبان ما زبان فعلی است برای درست گفتن و نوشتن دانستن مختصری عربی نهایت ضرورت را دارد.

سابقاً طرز تحصیل عربی بمناسبت اینکه میخواستند در طرز تعلیم و تعلم نتیجه شاگردان را استدلالی بار آورند و در سایر فنون عربی در سابق و حال علمی معوله عصر آنانرا قادر به مباحثه سازند و جز اینهم طلاب شغلی نداشتند راه بسیار طولانی و پیچید، نمی معمول بود که شاگرد می بایستی تمام عمر خود را ناگزیر در راه آموختن عربی صرف کند و در نخستین وحله شروع میشد از جماعه (بدان ایدك الله) که چرا بدان گفت و بخوان نکفت و بهمین ترتیب تا آخر شاگرد گرفتار بود و شاید عمرش بآخر میرسید و بمقصود نمیرسید.

هر قدر علوم و فنون توسعه یافت و وقت بیشتر قیمت پیدا کرد دانشمندان بفکر پیدا کردن راه آسانتر برآمدند و رفته رفته آن صرف همتی که برای آموختن عربی میکردند بایجاز و اختصار نزدیکتر شد تا بجائیکه جز اندکی اثری از آن جد و جهد باقی نماند، و تقریباً میتوان گفت اکنون خواندن عربی و دانستن صحیح آن بکلی از اهمیت افتاده است.

البته چون طرفین افراط و تفریط مضراتی دارد بعد اول خیر الامور و اوسطها در لغت شناسی عربی بطوریکه تا حدی رفع احتیاج را بکند و کمتر وقت صرف کند در نظر است با رعایت الاهم فالاهم لغاتی را که بنظر بیشتر مورد احتیاج زبان کنونی ماست ذکر و با رعایت اختصار بقدر لزوم در پیرامون آن تحقیق کنیم امید است خوارق به گمانی گرامری را پسندیده و سودمند افتند.

برای دانستن لغات عربی اگر میخواهیم لغت کامل بنویسیم  
**طریقه ما** علاوه بر اینکه کلیه لغات عربی را بایست ذکر میکردیم  
 (که بمناسبت وجود کتب لغت کامل عربی تحصیل حاصل بود و جز تصدیق نتیجه نمی نداشت) در ضمن بیان لغات لازمه و محتاج علیه نیز باید قائل بشرح و بسط کامل شریم و بالطبع ناچار میشدیم که وارد صرف و نحو عربی نیز بشویم و اینعمل هم با بودن کتب لازمه بحد کفایت جز مزاحمت حاصلی نداشت و بعلاوه چون در هر يك در جای مخصوص خود بحد لزوم بحث میشود تکرار بی مورد بود.